

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

متن سخنرانی والا حضرت آقا خان در کنفرانس سیرت، کراچی- پاکستان  
۱۲ مارس ۱۹۶۷

مترجم: پیکار

مولانا کوثر نیازی،

عالی جنابان، اساتید برجسته؛

زمانی که مولانا کوثر نیازی از من دعوت نمود که ریاست گرد هم آیی امروز را در کنفرانس سیرت به عهده بگیرم، هم احساس دلهره و نگرانی کردم و هم مسرت و خوشحالی، احساس دلهره کردم چون اندک اند موضوعاتی که می توانند برای هر مسلمان چنین سترگ و پر مهابت باشند، و احساس خوشحالی نمودم که انگشت شمارند موضوعاتی که اشتغال در آنها اینگونه مایه مسرت ژرف می شود. بگذارید اضافه کنم که عمیقاً به خاطر موقعیتی که مولانا کوثر نیازی در اختیارم قرار داده است تا با شما ملاقات کرده و شما را درود گویم، سپاسگزارم. کنفرانس های اندکی می توانند مردان اندیشمند و خردورز زیادی را گرد هم آورند که این اندازه از وقت و عقلانیت خویش را به پژوهش اسلام و زندگانی پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، اختصاص داده باشند.

امروز در فرصت اندکی که با شما سخن خواهم گفت، با یک تقاضا مطالبم را آغاز خواهم نمود: صدو هفتاد و دو استاد برجسته از ۴۸ کشور در اسلام آباد، لاهور، پشاور و کراچی گرد هم آمده اند تا نتایج تحقیق، پژوهش و تأملات خویش را در باره جنبه های مختلف حیات رسول اکرم عرضه نمایند. از میان تمام این تبادل نظر ها، و در پی تمام مباحثاتی قبل یا بعد از ارائه هر مقاله به میان می آید، طیفی گسترده و متنوع از اندیشه های نو، ذهنیت های نو و فهم های جدید از زندگانی پیامبر بدست خواهد آمد. خالصانه از شما تقاضا می کنم که گزارش کامل و چاپ شده ای از این مقالات و بحث های بعدی را در اختیار تمام مسلمانان قرار دهید.

در جهان عقلانی رفیع شما، بسیاری از شما این توفیق و اقبال را دارید که در باره جنبه های شگرف زندگانی پیامبر اکرم، حضرت محمد (ص)، بیندیشید. این توفیقی است که خیلی از مسلمانان جویای آن هستند، اما به سبب شرایطی که از اختیار آنها

خارخ است، یا در واقع به واسطه ماهیت خود زندگی مدرن و متجدد، این کار از عهده آنها ساخته نیست.

کشور های فقیر اسلامی، اگر بخواهند از جنبه دنیوی تا حد معیار های قابل قبول زندگی روزمره پیشرفت کنند، در پیش روی خود سال هایی از کار سخت و دشواری آفرین روز افزون دارند. کشور های توان گر و غنی تر، مخصوصاً آنها که وسایل جدیدی در اختیار دارند، به سرعت در خواهند یافت که این ثروت، اگر چه یک نوع موهبت است، اما مسؤلیت های سنگین جدیدی را نیز بر آن ها تحمیل خواهد نمود. آنها مجبور خواهند بود که این ثروت را عاقلانه اداره کنند تا بهترین منفعت برای شهر و ندان شان داشته باشد، و در عین حال به یاد داشته باشند که مسؤلیتی سنگین هم در قبال کشور های برادر مسلمان که توانگری و رفاه کمتری دارند، و در حقیقت نسبت به نوع بشر به طور اعم، بر عهده دارند. در نتیجه اعتقاد عمیق و راسخ من این است که جامعه اسلامی در سال های آینده در خواهد یافت که مفهوم و تصور سنتی ما از وقت و زمان، که آینه ای بی حد و مرز بود که در آن به تأمل و اندیشه در ابدیت می پرداختیم، به قفسی تنگ مبدل خواهد شد، دامی نامرئی که هر روز افراد کمتر و کمتری یارای گریز از آن را خواهند داشت.

من در مغرب زمین شاهد الگوی ژرفاً متغیر در روابط انسانی بوده ام. به نظر می رسد که لنگر های رفتار اخلاقی به زمینه هایی کشیده شده اند که دیگر کشتی حیات را استوار و پا برجا نگاه نمیدارند: آنچه که روزی نا صواب و خطا بود، امروز غیر قرار دادی و نا متعارف است، و به خاطر آزادی فردی باید آن را تحمل نمود. آنچه که تحمل می شود، به زودی پذیرفته خواهد شد. بر عکس، آنچه که روزی صواب و نیکو بود، امروز قدیمی و از مود افتاده تلقی می شود و اغلب مورد آماج تمسخر و استهزا قرار می گیرد.

در برابر این جهان متغیر که زمانی برای ما کیهانی بود و اکنون جزیره ای شلوغ و مُزْدَحَم نیست، و در رویارویی با چالش های بنیادی با درک ما از زمان و در حصار ناوگانی بیگانه از کشتی های فرهنگی و ایدئولوژیکی که مهار آنها از کف ما رها شده است، می پرسیم که آیا درکی روشن، استوار و دقیق از اینکه جامعه اسلامی در آینده چگونه باید باشد، داریم؟ و اگر آنگونه که من باور دارم، پاسخ قطعی و مطمئن نیست جز در قرآن شریف و در سرمشق از زندگی پیامبر غایی و نهایی خداوند کجا می توان جستجو کرد؟

هیچ توجیهی برای به تعویق انداختن جستجوی پاسخ به این چنین پرسش، از سوی مسلمانان جهان وجود ندارد زیرا ما بدین امر وقوف داریم که اسلام پیام نهایی خداوند، قرآن کتاب غایی او، محمد رسول آخرین اوست. توفیق و عنایت نصیب ما شده است که پاسخ هایی که از این منابع اخذ می شوند، ضامن این است که نه اکنون و نه در هیچ زمان دیگری در این راه به وادی ضلالت و گمراهی نخواهیم رفت.

با افزایش یافتن تقاضا های امروزه، هر مسلمانی یافتن پاسخ بدین پرسش اساسی را دشوار تر و دشوار تر خواهد یافت که چگونه باید زندگی خویش را چون مسلمان واقعی بگذرانند. این کار مردانی چون شماست که این پاسخ ها را عرضه کنید، پاسخی که ضرورتاً عملی، تحقق پذیر و واقعگرایانه برای جهان امروز و فردا باشند. به جای اینکه اجازه دهیم نیروی شرایط جدید به خاطر قصور و کوتاهی مان در خوب مهیا شدن برای آینده، شیوه هایی از زندگی را بر ما تحمیل نمایند که از آن ما نیستند یا نباید از آن ما باشند، ما باید خود طرح مسیری را که باید بپیماییم، در افکنیم.

در جستجوی اینکه تعریف نماییم که جامعه اسلامی در سال های آینده، در ۵۰ سال و ۱۰۰ سال و ۲۰۰ سال آینده، چگونه باید باشد، به اعتقاد من باید آگاه باشیم مسلمانان این دنیا چنان طیف حیرت انگیزی از سوابق و پیشینه های تاریخی، قومی و فرهنگی متفاوت را در بر دارند که یک پاسخ کاملاً یکسان و واحد را نمی توان به دست آورد. از سوی دیگر، من معتقدم که ما می خواهیم از این همه تنوع اجتناب کنیم که کشور های مسلمان ما با یک دیگر در تعارض و نزاع اند یا اینکه از هم بیگانه و جدا اند که نمی توانند با دشمنان مشترک روبرو شوند، اگر این دشمنان فرهنگی باشند، یا دینی یا ملی یا غیر این ها. به این دلیل است که این قدر پاکستان را به خاطر ترتیب دادن نخستین کنفرانس سران مسلمان، و این کنفرانس سیرت، تشویق و تحسین می نمایم، زیرا تنها از طریق گفتگو، تماس شخصی و تبادل نظر مستمر است که تنوع و تکثر عظیم فرهنگ ها، دانش، نظر گاه ها و منابع را میتوان هماهنگ نمود و به گونه ای گرد هم آورد که برای جامعه مسلمان مثمر باشد. حال اجازه بدهید به این سوال باز گردم که جامعه مسلمان در سال های آینده باید جویای چه چیزی باشد. اسلام آن گونه که حتی غیر مسلمین دریافته اند، یک شیوه زندگی است. این بدین معناست که هر جنبه زندگی روزانه فرد را اسلام هدایت می کند: روابط خانوادگی اش، روابط کاری اش، تحصیل اش، سلامتی او، وسایل و شیوه های امرار حیات او، بشر دوستی اش، آنچه که در اطرافش می بیند یا می شنود، آنچه که می خواند، چگونگی تنظیم وقت و زمان اش، و ساختمان هایی که در آنها زندگی می کند، تحصیل میکند و امرار معاش می کند.

نمیتوانم زمانی را در تاریخ اسلام به خاطر بیاورم که مسلمانان فرصتی از این عظیم تر برای اتحاد در اختیار داشته باشند، و اینکه اطمینان پیدا کنند که جامعه ای که در آن زندگی می کنند همان است که برای خود تعریف و انتخاب کرده اند. نه تنها همگی اشکال و صور ارتباط انسانی از هر زمان دیگری در تاریخ آسان تر شده است، بلکه حتی پیشتر از این ندرتاً، آنهم اگر چنین فرصتی وجود داشته است که جامعه مسلمان چنین ابزار و وسایلی را برای تضمین آینده اش در اختیار داشته باشد.

کنفرانس هایی از این قبیل که از زندگی پیامبر اکرم الهام میگیرند نمی توانند خدمتی از این عظیمتر به اسلام نمایند که کمک کنند تا تعیین شود که چه گام هایی، در کجا و چگونه باید برداشته شوند تا تضمین شود که مردم ما در سال های آینده زندگی سرشار

از صلحی عظیمتر و رفاه بیشتر داشته باشند و در جامعه اسلامی زندگی کنند که از سوی نیروها، فشارها یا مفاهیمی که کاملاً بیگانه اند و ممکن است به طرز جبران ناپذیر با ما صدمه بزنند، مورد تاخت و تاز و تاراج واقع نشوند یا مفتون و مسحور آنها نگردند.

در جستجوی یک راه حل، معتقدم که باید مردان و زنان خود مان را، در هر کجایی جهان موقعیتی برجسته کسب کرده اند، فرا خوانیم و آنها را متقاعد کنیم که باز گردند تا از دانش، تحصیلات و کارشان بهره ببریم. خیلی زیاد پیش می آید که در سفرهایم با اساتید، پزشکان، دانشمندان و معماران برجسته اسلامی ملاقات کرده ام یا از آنها مطالبی آموخته ام، که اینها در خارج کشور مانده اند، یا وقتی که به کشور خود باز میگردند نتوانسته اند از حمایت و تشویق لازم برخوردار شوند تا نظرگاه اسلامی شان را در زمینه های کلیدی پیشرفت مدرن، برای منفعت ملت خودشان عرصه نمایند. هرگونه تلاش انسانی پر معنی، هرگونه اندیشه بدیع، هرگونه تحقیق و پژوهش واقعی و راستین، نیاز به تشویق روحیه و حمایت مالی دارد. این چیزی است که ما باید تأمین کنیم، نه تنها در طی سال های نخستین تحصیل هر فرد، بلکه به همان میزان در زمانی که او زندگی محدود مرکز تحصیلی اش را ترک می گوید تا به جهان وسیع تر فعالیت ملی یا بین المللی قدم بگذارد.

زندگی پیامبر اکرم هرگونه سرمشق بنیادی را در اختیار ما می دهد که مشکل را تا حدی که اذهان و عقول بشری ما می توانند متصور شوند با موفقیت بگشاییم. سرمشق زندگانی وی در دستکاری، صداقت، وفاداری و سخاوت هم در زمینه امکانات و هم از لحاظ وقت، شفقت وی بر فقرا، ضعفا و بیماران، استواری او در دوستی، تواضع و فروتنی اش در کام گاری و موفقیت، بزرگواری اش در ظفرمندی و پیروزی، سادگی و بی آلاچی اش در برابر همگان، حکمت وی در اتخاذ راه حل های جدید برای مشکلاتی که با روش های سنتی گشوده نمی شوند، بدون اینکه اصول بنیادین اسلام تحت الشعاع قرار دهد، یقیناً تمامی اینها مبانی و ارکانی هستند که با درک صحیح و تعبیر صادقانه و خالصانه، باید ما را قادر سازد بیندیشیم که در سال های آینده یک جامعه حقیقتاً پویا، زنده و مدرن اسلامی چگونه باید باشد.

**با اظهار سپاس و شکران از همه شما**